

بررسی ضرورت پیاده سازی اقتصاد مقاومتی در ایران

یاسر موهبتی^۱، مهدیه ضیائیان^۲

^۱دکترای علوم اقتصادی - عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور تهران

^۲کارشناس ارشد علوم اقتصادی - اقتصاد نظری

نام نویسنده مسئول:

دکتر یاسر موهبتی

چکیده

های صرفا توسعه طلبانه منطبق با مدل غربی آن و اتکا بیش از حد به نفت، اقتصاد ایران دچار ضعف و ضربه پذیری نیز گردید. این عوامل و برخی عوامل آشکار و پنهان دیگر سبب گردید تا مقام معظم رهبری مدل اقتصاد مقاومتی را ارائه و تبیین نمایند تا راه حلی برای مقاوم نمودن اقتصاد ایران و شکوفایی رونق آن باشد. در این مقاله سعی بر آن است تا ضرورت پیاده سازی اقتصاد مقاومتی در ایران بررسی شود و راهکارهای اجرایی هرچند مختصر ارائه شود تا گشایشی برای تحقیقات آتی باشد.

کلید واژگان: اقتصاد مقاومتی، عرصه های سیاسی، تحریم، توسعه گرایانه

جمهوری اسلامی ایران طی ۳۸ سال گذشته در عرصه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و... با فراز و نشیب های زیادی مواجه بوده است. پس از اتمام جنگ و شروع دوران سازندگی، نیاز کشور به یک انقلاب و تحول اقتصادی به شدت احساس می شد لذا مسئولین وقت به صرافت افتادند تا تحولات توسعه گرایانه اقتصادی را در کشور آغاز نمایند. با توجه به پیشرفت هایی که به وقوع پیوست و افزایش تعاملات اقتصادی و تجاری با سایر کشورهای منطقه و جهان، استکبار جهانی و در راس آن ایلات متحده و انگلیس سعی در برهم زدن توازن اقتصادی و تحلیل آن داشتند که به طور مثال می توان به تحریم های اقتصادی به بهانه های واهی همچون دستیابی به فناوری انرژی هسته ای، حقوق بشر و... اشاره نمود. ناگفته نماند در برهه هایی پس از تاریخ انقلاب به دلیل سیاستگذاری

مقدمه و بیان مساله

بر اساس نظر شهید سید محمد باقر صدر(ره)، اسلام دارای مکتب اقتصادی است و نیازی به تقلید از تفکرات انحرافی ندارد. بر این اساس مبنای اقتصاد مقاومتی باید مبتنی بر اقتصاد اسلامی باشد تا بتوان علاوه بر در امان ماندن از بحران های اقتصاد سرمایه داری مانند بحران نظام بانکداری و نرخ بهره، بحران بدهی و اعتبار و بحران های جمعیتی، از ظرفیت های اقتصاد اسلامی نیز بهره کافی ببرد و تحت تأثیر تغییرات فرهنگی اجتماعی ناشی از اقتصاد سرمایه داری قرار نگیرد؛ یعنی اقتصادی که ریشه در جهان بینی توحیدی دارد و مقوله های مادی، معیشت و معنویت را در یک تفسیر و یک الگوی ویژه دنبال می کند. به طور قطع این الگو، الگوی سوسیالیستی و الگوی سرمایه داری نمی باشد. اقتصاد از نظر آیات و روایات، هم در مقوله مادی و هم در مقوله معیشت است. در تفکر اسلامی هر تلاشی برای ایجاد توازن در معیشت، امری اقتصادی محسوب می شود. این توازن، قلمروهای مختلفی دارد. در مبادلات، هزینه، منافع و درآمد وجود دارد؛ از این رو در تفکر اسلامی اقتصاد برابر است با توازن در زندگی و معیشت. اقتصاد از این حیث، نوعی بی نیازی است؛ یعنی بایستی به کمک توازن نیازها را مرتفع کنیم توسط مردمانی است که از نظر قدرت سیاسی در «حق» مقاومت به معنای پی گیری، پافشاری و مطالبه یک اقلیت قرار دارند. مقاومت اصطلاحی است که در حالت تهاجم از آن استفاده می شود و ایستادگی در برابر دشمن را می طلبد که اقتصاد یک بخش از آن به حساب می آید. مقاومت، در نزد همه ملت ها و اعتقادات یک آرمان مقدس و یک ارزش انسانی است. تمام انسان ها با تفاوت عقیده ها و باورها و ارزش های متفاوت زندگی، انسان مقاوم و ملت مقاوم را می ستایند. اقتصاد مقاومتی، به نظام اقتصادی ملت یا گروه اجتماعی مقاومی اشاره دارد که در راستای احقاق حقوق خود، یا پی گیری اهداف سیاسی ای که از نظر آن ها بر حق است، مبارزه می کنند. هر چقدر اقتصاد ملت یا گروه اجتماعی مقاوم، آن ها را در راستای تحقق اهداف مقاومت یاری بیشتری رساند، مقاومتی تر است. اقتصاد مقاومتی که در مقابل اقتصاد وابسته و مصرف کننده قرار می گیرد، منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، استقامت می کند و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی سازی آن بنا بر جهان بینی و اهداف خود دارد. اقتصاد مقاومتی تنها با صرفه جویی در مصرف و دوری از تجمل گرایی، افزایش صادرات کالاهای تولیدی، استفاده از کالای ایرانی و موارد دیگر محقق می شود، به طوری که در اقتصاد مقاومتی مردم باید از خرید کالاهای قاچاق و وارداتی دوری کنند و برای ایجاد اشتغال و افزایش ثروت ملی به سوی خرید کالاهای ایرانی روی آورند. از سویی دولت باید صنعتگران را موظف به تحقیق و توسعه و استفاده از دانش و نوآوری کند، همچنین دولت باید بازار را برای افزایش فروش صنعت داخلی در بازارهای داخلی و خارجی فراهم کند که البته اگر دانشگاه های ما با صنعت همراه باشند و صنعت به استفاده از نخبگان دانشگاه روی آورد، در آن زمان کیفیت کالای ایرانی افزایش یافته و بومی سازی همه صنایع و جلوگیری از صنعت مونتاژ صورت می گیرد.

روش شناسی

در این مقاله از روش تحقیق و گردآوری اطلاعات براساس مطالعات کتابخانه ای (کتاب، مجلات، مقالات، سایت های اینترنتی) استفاده شده است.

تعریف اقتصاد مقاومتی

بنا به تعریف اقتصاددانان از اقتصاد مقاومتی این نوع اقتصاد معمولاً در روبرویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف کننده یک کشور قرار می گیرد که منفعل نیست و در برابر اهداف اقتصادی سلطه ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی سازی آن براساس جهان بینی و اهداف دارد برای تداوم این نوع اقتصاد باید هر چه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و حمایت از تولید ملی و اشتغال حرکت کرد و باید توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن معنا پیدا می کند.

اقتصاد مقاومتی از نظر مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی

اقتصاد مقاومتی در حقیقت اقتصادی را ترسیم می کند که توانایی مقابله با شوک های وارد شده بر اقتصاد را دارد. چنین اقتصادی باید قابلیت انعطاف در شرایط مختلف و توانایی عبور از بحران را داشته باشد. برای دستیابی به چنین اقتصادی لازم است نگاه بلندمدت به سیاست های اقتصادی وجود داشته باشد و زیرساخت های اقتصاد به گونه ای طراحی شوند تا در آینده چارچوب کلی اقتصاد در برابر انواع ناملایمات توانایی مقابله داشته باشند. همچنین باید با توجه به شرایط جاری اقتصاد کشور و تحریم های بین المللی تحمیل شده، سیاست های خاص و گاهی متفاوت از شرایط عادی اتخاذ شوند. در این صورت اقتصاد مقاومتی در یک بازه زمانی کوتاه مدت نیز قابل تعریف است که به منظور عبور از شرایط بحران های کوتاه مدت طراحی شده است.

مولفه های اقتصاد مقاومتی

با توجه به سخنان امام خامنه ای (مد) در محافل گوناگونی که برگزار شده است، می توان مؤلفه های اقتصاد مقاومتی را تبیین نمود که عبارت است از:

۱. مردمی نمودن اقتصاد

اقتصاد زمانی واجد توان پایداری و مقاومت فوق العاده می گردد که محوریت آن توده های مردمی باشند. مقصود از مردمی کردن اقتصاد در گام اول، حساس کردن مردم به اقتصاد و سپس درگیر نمودن آنان به عنوان مصرف کننده ای فعال در اقتصاد است. در گام های بعدی درگیر کردن مردم به عنوان تولیدکننده و توزیع گر فعال و مهم تر از همه دخالت دادن مردم در توسعه کشور و رقم زدن توسعه مشارکتی قرار دارد که بسیار وسیع تر از دخالت دادن صرف سرمایه های مردم در اقتصاد است بنابراین می بایست توانمندسازی آحاد مردم در دستور کار قرار گیرد تا زمینه برای حضور مؤثر همه افراد در فعالیت های مولد اقتصادی فراهم شود. هیچ فردی نباید به سبب محرومیت از دسترسی به امکانات تولید، آموزش، مجوزها و ... از فعالیت محروم شود. در گام دوم ایجاد نظم های جمعی میان فعالیت اقتصادی هم در حوزه کار و هم در حوزه سرمایه است. وحدت و همکاری میان فعالین می تواند به اشکال گوناگون شبکه سازی، خوشه سازی، زنجیره تأمین و ... در دستور کار قرار گیرد که در نتیجه سطح پایداری اقتصادی در برابر تحریم ها و فشارها ارتقا می یابد.

۲. تقویت فرهنگ کار و تولید

از نظر اسلام، کار و تلاش زمانی به تمامیت کمالی خود می رسد که دو عنصر اصلی خوب و خالص بودن در آن تحقق یابد؛ یعنی کار انسانی دارای دو عنصر حسن فاعلی و حسن فعلی باشد. در این صورت است که کار از نظر تکلیفی و وضعی تأثیر خود را در زندگی مادی و معنوی و نیز دنیوی و اخروی به جا خواهد گذاشت. کارآفرینی و ارائه ایده های نو در امور اشتغال، علاوه بر ایجاد اشتغال برای فرد کارآفرین، موجبات ارتزاق افراد دیگر را فراهم می آورد. تلفیق دانش روز و تخصص های مدرن با سرمایه پدران و مادران هرچند که اندک باشد، می تواند کارآیی بسیاری داشته باشد.

۳. کاهش وابستگی به ذخایر زیرزمینی

کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از مؤلفه های اقتصاد مقاومتی است. اگر تلاش بر این باشد که فعالیت های اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین نفت شود، بزرگ ترین حرکت مهم در زمینه اقتصاد انجام شده است. صنایع دانش بنیان می تواند خلأ ناشی از نفت را تا میزان زیادی پر کند.

فرآورده های این شرکت های دانش بنیان علاوه بر تأمین نیازهای داخلی کشور می توانند قابلیت صادرات داشته باشند و بازارهای منطقه ای را به دست بگیرد. برخی از سیاست هایی که در این خصوص می توان مطرح نمود، عبارتند از: جایگزینی درآمدهای جاری به جای نفت مانند مالیات و درآمدهای ترانزیتی و متکثر نمودن شرکای تجاری از یک شریک عمده به چندین شریک کوچک تر. هم چنین می توان ظرفیت ها و پتانسیل های موجود در حوزه گردشگری را گسترش داد؛ زیرا امکانات و مواهب خدادادی کشور و اقلیم بسیار متنوع و بناهای تاریخی و صنایع دستی گوناگون در اقصی نقاط کشور باعث شده است که بسیاری از گردشگران دنیا در آرزوی سفر به ایران باشند و این می تواند یکی دیگر از مواردی باشد که جایگزین ذخایر زیرزمینی شود.

۴. اصلاح الگوی مصرف و پرهیز از اسراف

در حقیقت مصرف گرایی عامل تخریب رشد، توسعه و از بین رفتن منابع ملی است. مصرف گرایی از یک نگاه در معنای مصرف نامتعارف است که نیاز فیزیکی فرد را برطرف نمی سازد؛ بلکه نیاز کاذب فرد یا افراد را که گاه به تقلید از دیگران، تبلیغات، شرایط مادی یا تغییرات ساختار جامعه ایجاد شده برطرف می سازد. مصرف گرایی در نگاه عالمان دین نیز در همان معنای لغوی اسراف استعمال شده است و شامل هرگونه بیهوده گرایی، زیاده روی و اتلاف و مانند آن ها می شود. اصلاح الگوی مصرف که به معنی نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع کشور است، سبب ارتقای شاخص های زندگی و کاهش هزینه ها شده و زمینه ای برای گسترش عدالت است. شناخت و تحلیل الگوی مصرف ملی، از آن رو مهم است که ما را در جهت گیری و سیاست گذاری های کلان اقتصادی یاری می کند؛ زیرا مصرف، بخش اصلی اقتصاد هر کشوری است. آنچه بر اصلاح الگوی مصرف و دستیابی به فرهنگ بهینه مصرف در کشور دارای اهمیت است، این است که اصلاح الگوی مصرف نیازمند تبیین استراتژی و تعیین خط مشی است که طی آن، این اصل به یک شعار تغییر ماهیت ندهد. در واقع لازمه دستیابی به این مهم در کشور، خیزش و حرکتی عمیق از سوی مسئولان و همه آحاد جامعه می باشد؛ از این رو می بایست همگی این اصل را یک ضرورت دانسته و فعالیت های خود را در راستای رسیدن به این اصل مهم برنامه ریزی نمایند و برای دستیابی به این امر همه ما به فرهنگ ساز اقدام نمایند. آنچه که رهبر فرزانه انقلاب (مد) بر آن تأکید می ورزند، این است که خصوص مسئولان قوای سه گانه، شخصیت های اجتماعی و آحاد مردم باید در مسیر تحقق این شعار مهم، حیاتی و اساسی، یعنی اصلاح الگوی مصرف در همه زمینه ها، برنامه ریزی و حرکت کنیم تا با استفاده صحیح و این مدیران از منابع کشور، مصداق برجسته ای از تبدیل احوال ملت به نیکوترین حال ها، ظهور و بروز یابد موضوع به عنوان بستری مناسب برای شکوفایی و دستیابی به اقتدار ملی است. بنابراین پرهیز از شعارزدگی و حفظ اصل موضوع به عنوان مهم ترین عامل در مسیر اصلاح الگوهای مصرفی نیز تبیین و تحقق آن، وظیفه اصلی همه مردم و مسئولان به شمار می رود. امروز هر فردی از اعضای جامعه باید بداند که در فعالیت های خود باید به بهینه مصرف کردن منابع مادی اقدام نماید تا کشور به اهداف تعریف شده در سند چشم انداز بیست ساله برسد و شکوفایی در همه ابعاد ملی تحقق یابد. باید برای جلوگیری از مصرف گرایی و اتلاف منابع و فرصت ها و هزینه ها در تمامی حوزه ها، سند و نقشه راهبردی تهیه و ابلاغ شود؛ یعنی با تهیه این سند، مدیران، مسئولان و فرماندهان سازمان های مختلف می توانند با اجرا و به کارگیری روش ها و شیوه های مدون، خود را در مسیر تحقق این اصل مهم قرار دهند. در حقیقت اصلاح الگوی مصرف در جامعه از کارهایی انجام شدنی است که هر یک از اعضای جامعه با مشارکت و ملزم نمودن خود به درست مصرف کردن از منابع، منافع عظیمی را برای جامعه حاصل می نماید.

۵. حمایت از تولید ملی

رهبر معظم انقلاب (مد) در این زمینه می فرماید: اگر به توفیق الهی و با اراده و عزم راسخ ملت و با تلاش مسئولان، ما بتوانیم مسئله تولید داخلی را آن چنان که شایسته آن است، رونق ببخشیم و پیش ببریم، بدون تردید بخش عمده ای از تلاش های دشمن ناکام خواهند ماند. پس بخش مهمی از جهاد اقتصادی، مسئله تولید ملی است. با خودکفایی، جامعه می تواند کالاها و خدمات مورد نیاز خود را تولید کند و در کالاهای اساسی به بیگانگان وابسته نباشد. خودکفایی و اقتدار اقتصادی مستلزم توانمندی کمی و کیفی در تولید است؛ زیرا بسنده کردن به تولیدات اندک یا نامطلوب داخلی نمی تواند اقتدار ملی را به ارمغان آورد. قرآن کریم تلاش برای رهای از وابستگی ها از جمله وابستگی اقتصادی را وظیفه همه مؤمنان می داند و در زمینه به کارگیری تمام توان برای دستیابی به اقتدار کامل، تأکید می کند: ((وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ)) هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن ها [دشمنان]، آماده سازید. ثمفاد این آیه، قدرت یافتن مسلمانان و رسیدن آنان به حدی از شکوه و عظمت است که دشمنان هرگز این جرئت را به خود ندهند که نسبت به جامعه اسلامی تعرض کنند. بدیهی است چنین اقتداری شامل اقتدار در امور سیاسی و اقتصادی و فرهنگی باشد. حمایت از تولید داخلی و حمایت از سرمایه گذار و کارگر داخلی سبب می شود توسعه پایدار، مقدمه ای برای تبدیل تولیدات داخلی به محصول با کیفیت که در درجه نخست برای مصرف کشور و در درجه بعدی برای یک تولید صادرات محور باشد و زمینه ساز تبدیل ایران به یک قدرت اقتصادی شود. انقلاب اسلامی از ابتدای تشکیل خود، توجه زیادی به موضوع خودکفایی در عرصه های مختلف داشته است و بخشی از اقتدار ایران امروز، مرهون ایستادگی و پافشاری بر آرمان هایی است که هرگونه وابستگی را بر نمی تابد. حال اگر تلاش و سرمایه کشور روی موضوع تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی متمرکز شود، تقویت نظام اقتصادی کشور شکست سنگینی را برای تحریم های غرب رقم خواهد زد و کشورهایی که خود درگیر بحران اقتصادی هستند، ثمره تلاش نظامی دینی برای تأکید بر مستقل بودن را خواهند دید و از طرفی مردم ثمره اقتصادی پویا را در زندگی خود احساس خواهند کرد.

۶. استفاده حداکثری از همه ظرفیت ها

حداکثر استفاده از ظرفیت های مردمی و دولتی یکی دیگر از ارکان اقتصاد مقاومتی است. حرکت ها باید براساس برنامه صورت گیرد و ظرفیت ها و منابع کشور را به طور دقیق بررسی و برآورد شود. ظرفیت های بسیاری وجود دارد که ناشناخته هستند که باید به این ظرفیت ها توجه شود. استفاده صحیح از ظرفیت زمان، یعنی اینکه افرادی که وقت های آزاد بسیاری دارند، مشغول به حرفه ای در این زمان ها شوند؛ به عنوان مثال بانوان خانه داری که با هنر گلدوزی، بافتنی و ... آشنا هستند، از وقت خود بهره کافی را ببرند. استفاده از ظرفیت مکان از جمله این ظرفیت هاست که مثال های بسیاری برای آن می توان بیان نمود: استفاده از زیرزمین های خانه ها و اتاق نمناک جهت پرورش قارچ، پشت بام خانه ها، گوشه حیاط جهت کاشتن سبزیجات، استفاده از انشعاب رودخانه ها و برکه ها جهت پرورش ماهی، هم چنین پرورش طیور به جهت استفاده از تخم و گوشت آن ها.

۷. روح خودباوری و خوداتکایی

روح خودباوری و خوداتکایی سبب می شود انسان هر آنچه نیاز اقتصادی است، برآورده سازد و با آبادانی و تولید و تصرف در جهان مادی، آن را برای آسایش جامعه مورد بهره برداری قرار دهد. این گونه است که آستانه تحمل جامعه نسبت به فشارهای سلطه گران مستکبر افزایش می یابد و امکان تسلط به آنان را نمی دهد. یکی از پایه های شکل گیری کاری اقتصادی، داشتن روحیه خودباوری است. انسانی که خود را باور کند و به خود اعتماد کند، نه تنها نیازهای اقتصادی در آن زمینه را برطرف می کند؛ بلکه می تواند موجب خلق شگفتی های جدید اقتصادی شود. صحیح است که روح خودباوری، عامل حرکت دهنده قوی و رو به جلویی است که جرعه اقتصادی در ذهن افراد می زند، اما این تحرک و پویایی باید همواره در ادامه راه وجود داشته باشد که این ادامه دهنده، همان روح خوداتکایی است. هیچ گاه نباید از پا نشست؛ زیرا خلق کارهای بزرگ اقتصادی، روح بزرگ خوداتکایی را می طلبد.

۸. توجه به اقتصاد دانش بنیان

مؤثرترین مؤلفه اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان است. اقتصاد دانش بنیان، اقتصادی است که براساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته است و سرمایه گذاری در دانش و صنایع دانش پایه مورد توجه خاص قرار می گیرند علم و فناوری های خاص و انحصاری می تواند منبع بسیار بزرگی برای درآمدهای بالا و تجارت های پر سود باشد. ظرفیت های دانشی و فنی می تواند نیازهای وارداتی کشور را به حداقل برساند و دشمنی که به تحریم ها چشم دوخته، ناکام بگذارد. نقش علم و دانش در اقتصاد به دلیل ایجاد تخصص و بهبود بهره وری عوامل تولید، از گذشته مورد توجه قرار گرفته و جایگاه فن آوری و دانش به عنوان عوامل درون زا در رشد اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است. با توجه به اینکه در اقتصاد دانش بنیان، تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات عامل و محرک اصلی رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در تمامی فعالیت های اقتصادی است، فرایندهای خلق و ایجاد دانش، فراگیری و اکتساب آن، پخش و اشاعه و کاربرد عملی آن باید به دقت برنامه ریزی شود تا بازخورد بین فرایندهای مذکور، پیشرفت اقتصاد دانش بنیان را تضمین کند. وجود محیط مناسب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و قانونی برای سرمایه گذاری، تولید و تجارت، آموزش و تعلیم و تربیت یا سرمایه گذاری در سرمایه انسانی، سیاست های حمایتی دولت و فن آوری اطلاعات و ارتباطات از جمله پیش نیازهای اقتصاد دانش بنیان است. برای دستیابی به اقتصاد دانش بنیان بایستی شرایط لازم برای ابداع و نوآوری فراهم شود تا توانایی تبدیل ایده ها به محصولات از طریق سرمایه گذاری به تولید محصولات جدید منجر شود.

ضرورت توجه به اقتصاد مقاومتی و تأکید مقام معظم رهبری بر اقتصاد مقاومتی

لازمه داشتن کشوری توسعه یافته و حرکت به سمت جلو در همه زمینه ها و غلبه بر مشکلات و آسیب پذیری کمتر در تحولات جهانی و اقدامات خصمانه دشمنان، توجه جدی و عملی به اقتصاد مقاومتی است. با توجه به اینکه مقام معظم رهبری تأکید ویژه ای به اقتصاد مقاومتی داشتند، اقتصاد مقاومتی ارکانی دارد که در درجه نخست تولید اشتغالزا است چراکه تحقق اقتصاد مقاومتی ایران را به الگویی در جهان اسلام تبدیل می کند. تولید اشتغال را یعنی تولیدی که با آن بتوان جوان های بیکار را جذب کرد و دومین رکن اقتصاد مقاومتی این است هدف برون نگر داشته باشیم، یعنی تولید و اقتصاد مقاومتی، صادرات محور باشد.

نقش اقتصاد مقاومتی در توسعه و پیشرفت کشور و عبور از مشکلات پیش رو

دشمنان با تلاش در پی ضربه زدن به نظام مقدس جمهوری اسلامی و به زانو درآوردن ملت سرافراز ایران اسلامی هستند و مصون داشتن کشور از توطئه های دشمنان، حفظ استقلال و توسعه کشور در همه زمینه ها و رفع مشکلات از اهداف اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی به معنای آن است که تولید هم باید درون نگر باشد و هم برون نگر، هم داخل و هم خارج را پوشش بدهد و امید است که بتوانیم به اقتصاد مقاومتی که لازمه پیشرفت مملکت از نظر کشاورزی، صنعت و سایر صنایع دستی است برسیم و ما باید توجه ویژه ای به این مسائل داشته باشیم.

تفاوت اقتصاد مقاومتی با ریاضت اقتصادی

- مفهوم اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و متعاقبا تلاش برای کنترل و بی اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، که قطعا باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تأکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. و صد البته منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی، یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته چنانکه مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر حرکت و پیشرفت تعریف می شود. بنابراین مسئولان و اندیشمندان باید مراقب باشند در راه رسیدن به اقتصاد پویا در دام اقتصاد بسته و خود محور نیفتند. در واقع هدف در اقتصاد مقاومتی آن است که بر فشارها و ضربه های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم که سد راه پیشرفت جامعه است، غلبه کرد. برخی از مردم اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصادی را یکی می دانند و یا تصور می کنند اقتصاد ریاضتی یکی از شاخه های اقتصاد مقاومتی است در حالی که این دو اصطلاح کاملا متفاوت بوده و هیچ ارتباطی به یکدیگر ندارند برای روشن شدن موضوع به شرح مفهوم ریاضت اقتصادی می پردازیم.

- تعریف ریاضت اقتصادی

ریاضت اقتصادی به طرحی گفته می شود که دولت ها برای کاهش هزینه ها و رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می زنند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت ها انجام می شود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام ها و کمک های مالی خارجی می انجامد. اینکه بر اقتصاد و شرایط بحران زده اش ریاضت و سختی تحمیل شود، در ظاهر اصلا کار خوشایندی به نظر نمی رسد، اما، می تواند به بازایی درازمدت اقتصاد کمک کند. بنابراین اگرچه اقتصاد ایران شاید ناچار شود در دراز مدت به سیاست های ریاضتی روی بیاورد، اما اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصادی دو مفهوم جداگانه و مستقل است که به هیچ عنوان منجر به بروز یکدیگر نخواهند شد.

اهداف و سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی

تأمین شرایط و فعالسازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه محور قراردادن رشد بهره وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت های متنوع استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص های عدالت اجتماعی سهم بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، بویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه افزایش تولید داخلی نهاده ها و کالاهای اساسی، بویژه در اقلام وارداتی و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید مواد اولیه و کالا مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری در تولید اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی می باشد.

نتیجه گیری

اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد درونزا، پویا و مردم نهاد است. اقتصاد مقاومتی یک فرهنگ است با خرده فرهنگ های متعدد که هم هدف است و هم وسیله. اقتصاد مقاومتی عاملی است برای شکوفایی و رونق کسب و کار و در عین حال سدی است در راستای ضربه ناپذیری در مقابل توطئه ها و کارشکنی های دشمنان و تلاطمات اقتصادی داخلی و خارجی. برای تحقق اقتصاد مقاومتی ارکانی بایسته است که اهم آن شامل حوزه هایی از قبیل بانکداری، دانشگاه، صنایع کوچک و متوسط، کشاورزی، رسانه، سبک زندگی، کارآفرینی و ... می باشد. الزامات اقتصاد مقاومتی خود نیز مسئله ای است که باید برای نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی مهیا گردد. لذا برای بستر سازی باید با تمام توان اجرایی در کوتاه مدت و بلند مدت در خدمت آماده کردن این الزامات قرار گیرد. الزامات مذکور در صورتی محقق می گردند که به عوامل زیر توجه خاصی شود:

- حمایت همه جانبه و هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده
- تسهیل مقررات و گسترش مشوق های لازم
- گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت های مورد نیاز
- تشویق سرمایه گذاری خارجی برای صادرات
- برنامه ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل دهی بازارهای جدید، و تنوع بخشی
- پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه
- استفاده از ساز و کار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز
- ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف
- توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج
- افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب پذیری اقتصاد کشور از طریق توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه
- استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدفهای اقتصادی
- استفاده از ظرفیتهای سازمانهای بین المللی و منطقه ای
- مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق انتخاب مشتریان راهبردی

ایجاد تنوع در روش های فروش

- مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش
 - افزایش صادرات گاز، برق، پتروشیمی و فرآورده های نفتی
 - افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت های تولید نفت و گاز، بویژه در میادین مشترک
 - افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه براساس شاخص شدت مصرف انرژی و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع صرفه جویی در هزینه های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه های موازی و غیرضروری و هزینه های زاید
 - اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی
 - افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت
 - شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت ها و زمینه های فسادزا سرمایه گذاری
 - اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه
- تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن بویژه در محیط های علمی، آموزشی و رسانه ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی

مراجع

- پورداریانی، احمد و فقیهی، محمود (۱۳۸۵)، مبانی کار آفرینی، چاپ اول، تهران: انتشارات فراندیش.
- پیغامی، عادل (۱۳۹۱)، اقتصاد مقاومتی، اقتصاد ترمیمی یا دفاعی، پژوهش های دانشگاه امام صادق (ع).
- تاری، فتح الله و سید شکری، خشایار (۱۳۹۱) اقتصاد مقاومتی و مولفه های آن، انتشارات دفتر مطالعات اقتصادی پژوهش های مجلس شورای اسلامی ایران.
- حبیبی، حسن (۱۳۹۱)، کارآفرینی زیربنای اقتصاد مقاومتی، همایش ملی و بررسی تبیین اقتصاد مقاومتی، دانشگاه گیلان.
- سهرابی، روح الله و همایی، مهتاب (۱۳۹۱)، شناسایی و رتبه بندی مهم ترین چالش های اقتصادی در صنایع کوچک و متوسط در راستای استقرار اقتصاد مقاومتی، دانشگاه گیلان.
- یعقوبی، مبین (۱۳۹۱)، مولفه ها و شاخص های اقتصاد مقاومتی، همایش ملی و بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی، دانشگاه گیلان.